

رابطه استرس والدینی و احساس صلاحیت والدینی با نقش تعدیل گر حمایت اجتماعی همسر The Relationship Between Parenting Stress and Parenting Competence with the Moderating Role of Spousal Social Support

Fatemeh Darzi Nokandeh

MA in Family Clinical Psychology, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Science and Culture University, Tehran, Iran.

Samaneh Behzadpoor *

Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Science and Culture University, Tehran, Iran.

s.behzadpoor@usc.ac.ir

Sahar Salehbek

MA in Family Clinical Psychology, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Science and Culture University, Tehran, Iran.

فاطمه درزی نوکنده

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی خانواده، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

سمانه بهزادپور (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

سحر صالح بک

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی خانواده، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

Abstract

The purpose of this study was to investigate the moderating role of spousal social support in the relationship between parenting stress and parenting competence. The research method was descriptive-correlational. The research population consisted of mothers with children up to 5 years old living in Tehran and Karaj city in 1403, from whom 227 individual were selected as a sample through convenience sampling. Data were collected using the Parenting Stress Index- Short Form (PSI-SF; Abidin, 1995), the Parenting Sense of Competence questionnaire (PSOC; Gibaud et al., 1978), and the Multidimensional Scale of Perceived Social Support (MSPSS; Zimet et al., 1988). The research data were analyzed using the Pearson correlation coefficient and hierarchical regression methods. The findings showed that there was a negative and significant relationship between parenting stress and feelings of parenting competence ($r=-0.48$, $P<0.01$) and spousal social support ($r=-0.24$, $P<0.01$), and a positive and significant relationship between parenting competence and spousal social support ($r=0.68$, $P<0.01$). Also, spousal social support plays a moderating role in the relationship between parenting stress and parenting competence ($p<0.01$). It can be concluded that the spousal social support can reduce the negative impact of parenting stress on parenting competence.

Keywords: Parenting Stress, Social Support, Parenting Competence, Parenting, Spouse.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل گر حمایت اجتماعی همسر در رابطه استرس والدینی و صلاحیت والدینی بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه پژوهش را مادران دارای فرزند تا ۵ سال ساکن شهر تهران و کرج در سال ۱۴۰۳ تشکیل دادند که از بین آنها به صورت در دسترس ۲۲۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه استرس والدینی- فرم کوتاه (PSI-SF؛ آیدین، ۱۹۹۵)، پرسشنامه صلاحیت والدینی (PSOC؛ گیباود و همکاران، ۱۹۷۸) و مقیاس حمایت اجتماعی (MSPSS؛ زیمت و همکاران، ۱۹۸۸) استفاده شد. داده های پژوهش با روش های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل شدند. یافته ها نشان داد که بین استرس والدینی با احساس صلاحیت والدینی ($r = -0.48$ ، $P < 0.01$) و حمایت اجتماعی همسر ($r = -0.24$ ، $P < 0.01$) و حمایت اجتماعی همسر ($r = 0.68$ ، $P < 0.01$) و معنادار وجود داشت. همچنین حمایت اجتماعی همسر در رابطه بین استرس والدینی و صلاحیت والدینی نقش تعدیل گر داشت ($p < 0.01$). بنابراین می توان نتیجه گرفت حمایت اجتماعی همسر می تواند تأثیر منفی استرس والدینی بر صلاحیت والدینی را کاهش دهد.

واژه های کلیدی: استرس والدینی، حمایت اجتماعی، صلاحیت والدینی،

فرزندپروری، همسر.

مقدمه

تولد فرزند و پذیرش نقش والدینی رویدادی مهیج، تجربه‌ای لذت‌بخش و درعین حال چالش‌برانگیز است. والدین لازم است در کنار مدیریت روابط زوجی، خانوادگی، شغلی و اجتماعی، تربیت فرزند و والدگری را نیز تحت کنترل خود قرار دهند (ونگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین می‌توان گفت کیفیت والدگری و رفتارهای والدینی‌شان از مجموعه عوامل فردی، بین فردی و اجتماعی تاثیر می‌گیرد که از برجسته‌ترین آنها می‌توان به احساس صلاحیت و رضایتی که والدین از نقش خود دارند، اشاره کرد (فانگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۱؛ جونز^۳، ۲۰۲۰).

صلاحیت والدین به سطحی از اعتمادبه‌نفس و کارآمدی والدین در مراقبت، مدیریت و تربیت فرزندانشان اشاره دارد (فانگ و همکاران، ۲۰۲۱). شایستگی والدین به معنی توانایی عملی والدین برای پرورش، محافظت، آموزش فرزندان و همچنین تضمین رشد و سلامت آنها است (کاسبال^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). ادبیات موجود نشان می‌دهد که والدین می‌خواهند با هویت والدینی سازگار شوند و احساس کنند که نقش والدینی را به طور مؤثر و شایسته ایفا می‌کنند (گلترز^۵ و همکاران، ۲۰۲۴). اما به دلیل پیشرفت‌های سریع اجتماعی، اقتصادی و فناوری با مشکلات متعددی مواجه هستند که مهارت‌های فرزندپروری آنها را تحت تاثیر قرار داده و امکان فراهم کردن منابع یا فرصت‌های مختلف برای فرزندانشان را از آنها سلب می‌کند (گیلمور و کاسکلی^۶، ۲۰۲۴). عوامل زیادی بر احساس کفایت و صلاحیت والدینی موثر هستند، عواملی چون سلامت روانی و جسمانی والدین، وضعیت مالی خانواده و حتی ویژگی‌های فرزندان (گلترز و همکاران، ۲۰۲۴؛ ریباز^۷ و همکاران، ۲۰۲۱). یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که بر صلاحیت والدینی اثر گذار است استرس والدینی است (کاسبال و همکاران، ۲۰۲۴؛ ریوس^۸ و همکاران، ۲۰۲۲).

استرس والدینی با تجربه احساسات منفی والدین نسبت به خود و فرزندانشان مشخص می‌شود که این احساسات ناخوشایند به خواسته‌ها و مسئولیت‌های مرتبط با والد بودن نسبت داده می‌شود (ونگ و همکاران، ۲۰۲۳). اصل تعادل منابع و تقاضا که زیربنای نظریات استرس کوهن^۹ و همکاران (۱۹۸۳)، لازاروس و فولکمن^{۱۰} (۱۹۸۴) و آبیدین^{۱۱} (۱۹۹۲) را تشکیل می‌دهد، چهارچوب اساسی برای توضیح استرس والدینی فراهم می‌کند (ونگ و همکاران، ۲۰۲۴). استرس والدینی در نتیجه عدم هم‌خوانی ادراک‌شده بین منابع والدینی (عوامل محافظ) و تقاضای والدینی (عوامل استرس زا) حاصل می‌شود یعنی زمانی که تقاضای والدینی همچون کمال‌گرایی، ناتوانی در تنظیم هیجان و مهارت‌های مقابله‌ای، بیشتر از منابع والدینی همچون حمایت محیطی و مهارت‌های فرزندپروری است (لین^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۳). آبیدین (۱۹۹۲) معتقد است استرس والدینی هنگامی نمایان می‌شود که والد احساس کند منابع اجتماعی و شخصی که در دسترس اوست (یا به عبارت دیگر دانش و توانایی او در مهارت‌های فرزندپروری و میزان دریافت حمایت اجتماعی) برای مواجهه با اقتضات امور فرزندپروری به اندازه‌ی مورد نیاز نیست. اما لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) دیدگاه جامع‌تری را مطرح کردند. از منظر آنها استرس والدینی نه تنها در نتیجه عدم تعادل منابع و تقاضاست، بلکه ارزیابی‌های شناختی و مهارت‌های مقابله‌ای والدین نیز نقش قابل توجهی در میزان استرس ادراک شده آنها دارند (ونگ و همکاران، ۲۰۲۴؛ مک مانوس^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۲). همان‌طور که مطرح شد، صلاحیت والدینی با استرس والدینی ارتباط دارند اما به نظر می‌رسد یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند رابطه این دو متغیر را تحت تاثیر قرار دهد، حمایت‌های اجتماعی ادراک‌شده‌ای است که فرد به خصوص از جانب همسر دریافت می‌کند (کاسبال و همکاران، ۲۰۲۴).

حمایت اجتماعی ادراک‌شده به تجربه عاطفی فرد از حمایت، پشتیبانی، درک، مراقبت و رضایت در هنگام تعامل با دیگران اشاره دارد (گرینلی^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۲). تاثیرات حمایت اجتماعی ادراک شده غالباً به دو صورت است: (۱) به‌عنوان یک تعدیل‌کننده یا محافظ در برابر استرس؛ (۲) رفع نیاز اساسی برای دلبستگی (لیت انگلیو^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۳). تحقیقات متعدد نشان داده‌اند والدینی که سطوح بالاتری

1. Wang
2. Fang
3. Jones
4. Kaashbol
5. Glarz
6. Gilmore & Cuskelly
7. Reparaz
8. Rios
9. Cohen
10. Lazarus & Folkman
11. Abidin
12. Lin
13. McManus
14. Greenlee
15. Leite Ongitio

از حمایت را از طرف همسر، اعضای خانواده و دوستان خود دریافت می‌کنند، سطوح پایین‌تری از استرس و سطوح بالاتری از خودکارآمدی والدینی را تجربه می‌کنند (فانگ و همکاران، ۲۰۲۴؛ فو^۱ و همکاران، ۲۰۲۳؛ ژنگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). از این نظر، حمایت اجتماعی به‌عنوان یک عامل محافظتی در برابر استرس والدین شناسایی شده است (باخوس^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین نتایج پژوهش دهقان-منشادی و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد که حمایت اجتماعی ادراک‌شده از جانب خانواده و همسر می‌تواند نگرانی‌ها و ناامنی‌های والد را التیام بخشد و حس صلاحیت والدینی او را افزایش دهد.

به‌طور کلی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد صلاحیت و شایستگی والدینی پیش‌بین مثبت و استرس والدینی پیش‌بین منفی سبک فرزندپروری سازگاران است (کاسبال و همکاران، ۲۰۲۴ و فو و همکاران، ۲۰۲۳). احساس صلاحیت، کارآمدی و رضایت والدین (خصوصاً مادران) در ایفای نقش والدینی‌اشان به طور قابل توجهی بر تصحیح زنجیره شناختی و رفتاری آنها تأثیر می‌گذارد (گلنز و همکاران، ۲۰۲۴). در مقابل استرس والدینی آشفته‌گی‌های والدین و تعاملات ناکارآمد را تشدید کرده و سبب می‌شود که والدین تجربه فرزندپروری را پرچالش‌تر ببینند (فانگ و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعات متعددی مطرح کردند که استرس ادراک‌شده بر باور والدین در مورد شیوه‌های والدگری‌اشان، میزان پاسخ‌گویی و حتی حساسیت آنها اثر گذاشته و در نهایت منجر به احساس ناکارآمدی، نارضایتی و عدم صلاحیت در والدین می‌شود اما در مقابل والدینی که استرس والدگری کم‌تری را تجربه می‌کنند، می‌توانند احساس صلاحیت بیشتری در فرزندپروری داشته و راضی‌تر باشند (گیلمور و کاسکلی، ۲۰۲۴). در این بین عوامل متعددی مانند تعداد فرزندان و خلق‌وخوی آنها، درآمد پایین، تک‌والد بودن و عدم دریافت حمایت کافی اثرگذارند که می‌توانند استرس والدینی را افزایش دهند (فانگ و همکاران، ۲۰۲۴). در حالی که سایر عوامل همچون حمایت اجتماعی کافی خصوصاً حمایت همسر، استرس را کاهش داده و افزایش احساس صلاحیت را در والدین به دنبال دارند (ژنگ و همکاران، ۲۰۲۰). از آنجایی که مسئولیت اصلی والدگری از گذشته تا امروز متمرکز بر مادران است و معمولاً آنها بیش از پدران استرس والدگری را تجربه می‌کنند (رسکم^۴ و همکاران، ۲۰۲۲) و همچنین سطوح بالاتر حمایت اجتماعی ادراک‌شده پیش‌بین قدرتمند تعدیل استرس و افزایش احساس کارآمدی والدین است (لیو و ژو^۵، ۲۰۲۴ و فو و همکاران، ۲۰۲۳). به نظر می‌رسد مادران نیاز به ایجاد روابط قوی با منابع حمایت اجتماعی خصوصاً همسرانشان داشته باشند (باخوس و همکاران، ۲۰۲۴). با توجه به اینکه در ادبیات پژوهش داخلی رابطه دو متغیر استرس والدینی و صلاحیت والدینی مورد بررسی قرار نگرفته است و به بررسی تأثیرات حمایت همسر بر ایفای نقش مادرانگی خیلی پرداخته نشده است، نیاز به انجام این پژوهش احساس می‌شود. به‌علاوه یافته‌های احتمالی این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز طراحی برنامه‌های مداخله‌ای هدفمند برای والدین (همچون برگزاری کارگاه‌هایی در خصوص فرهنگ‌سازی افزایش مشارکت پدران در امور فرزندپروری، آموزش شیوه‌های افزایش اعتمادبه‌نفس و کنترل استرس برای مادران)، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی (همچون ارائه خدمات حمایتی در مراکز بهداشت و درمان و یا امکان داشتن ساعات کاری منعطف برای پدران) و در نهایت ارتقای سلامت روان مادران، فرزندان و جامعه باشد. بنابراین برای به دست آوردن درک عمیق‌تر از این پویایی خانواده، مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه استرس والدینی و احساس صلاحیت والدینی با نقش تعدیل‌گر حمایت اجتماعی همسر انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل مادران دارای فرزند تا ۵ سال ساکن شهر تهران و کرج در سال ۱۴۰۳ بودند. از آنجایی که کلانین^۶ (۲۰۱۳) حداقل حجم نمونه را برای پژوهش‌های مدل‌یابی ۲۰۰ نفر مطرح کرده است، حجم نمونه برای پژوهش ۲۳۰ نفر تعیین شد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل عدم دریافت تشخیص اختلالات روانشناختی مادر و کودک به‌گزارش مادر و سواد خواندن و نوشتن و ملاک خروج مخدوش بودن پرسش‌نامه‌ها بود. پس از دریافت کد اخلاق از کمیته اخلاق دانشگاه علم و فرهنگ (IR.ACECR.USC.REC.1403.045)، اطلاعیه‌ای در فضای مجازی منتشر شد که از مادران ساکن شهر تهران و کرج دارای فرزند تا ۵ سال دعوت شد تا در پژوهش شرکت کرده و پرسش‌نامه آنلاین مربوط به آن را تکمیل

1. Fu
 2. Zeng
 3. Bakhos
 4. Roskam
 5. Liu & Xu
 6. Kline

کنند. در پژوهش حاضر اصول اخلاقی از جمله عدم اجبار و اختیاری بودن شرکت در پژوهش، توضیح کامل هدف پژوهش برای شرکت-کنندگان، اصل ناشناس و محرمانه بودن داده‌ها و تفسیر گروهی نتایج رعایت شد. در انتها نیز داده‌ها با استفاده از ضرایب همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسله‌مراتبی توسط نسخه ۲۸ نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار سنجش

فرم کوتاه مقیاس استرس والدینی (PSI-SF): مقیاس استرس والدینی توسط آبیدين (۱۹۹۵) به منظور سنجش استرس والدینی طراحی شده است. فرم کوتاه این مقیاس مشتمل بر ۳۶ گویه با همان عبارتهای فرم اصلی بلند ۱۰۱ گویه‌ای است. این سیاهه سه خرده‌مقیاس آشفستگی والدینی^۲ (گویه‌های ۱ تا ۱۲)، تعامل‌های ناکارآمد والد و کودک^۳ (گویه‌های ۱۳ تا ۲۴) و ویژگی‌های کودک مشکل آفرین^۴ (گویه‌های ۲۵ تا ۳۶) و همچنین نمره استرس کلی (همه گویه‌ها) را اندازه‌گیری می‌کند. نحوه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرتی ۵ درجه‌ای کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲، نه موافق نه مخالف=۳، موافق=۴ و کاملاً موافق=۵ انجام می‌شود. نمره بیشتر نشان‌دهنده سطح بالاتری از استرس والدینی است. نمره ۱۵ الی ۸۰ محدوده نرمال، نمره ۸۵ و بیشتر استرس بالا و نمره ۱۰ و کمتر نشان دهنده سطوح بسیار پایین استرس (پاسخ دفاعی والد) است. روایی همزمان با نمره ترکیب شده از فرم بلند ۱۰۱ سوالی این پرسش‌نامه، ۰/۹۵ به دست آمده است (آبیدين، ۱۹۹۵). به‌علاوه پایایی به روش بازآزمایی (دو ماه بعد) بین ۰/۶۳ تا ۰/۹۶ و همسانی درونی بین ۰/۷ تا ۰/۹۵ گزارش شده است (آبیدين، ۱۹۹۵). در پژوهش شیرزادی و همکاران (۱۳۹۳) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این مقیاس مناسب ارزیابی شده است. آنان ضریب آلفای کرونباخ نمره کل را ۰/۸۶ و زیرمقیاس‌ها را بین ۰/۵۹ تا ۰/۸۰ به دست آوردند. همچنین ضریب بازآزمایی را در طول ۱۶ روز بعد از اجرای دور اول بین ۰/۹۲ تا ۰/۹۷ گزارش کرده‌اند. روایی همگرا نیز با نمره اختلال سلوک ۰/۵۸ محاسبه شد. در مطالعه حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل و خرده‌مقیاس آشفستگی والدینی، تعامل‌های ناکارآمد والد و کودک و ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۵، ۰/۸۹ و ۰/۹۱ محاسبه شد.

مقیاس احساس صلاحیت والدینی (PSOC): این مقیاس توسط گیباد^۵ و همکاران در سال ۱۹۷۸ طراحی و تدوین شده است. یک پرسش‌نامه ۱۶ سوالی است که احساس والدین را نسبت به والد بودن آنها ارزیابی می‌کند و اینکه آیا به باور خود توانایی لازم را برای والد بودن دارند یا خیر. این مقیاس دارای دو شاخص فرعی رضایت^۶ شامل سوالات ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۲، ۱۴ و ۱۶ و کارآمدی^۷ شامل سوالات ۱، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۱۵ است. شیوه نمره‌گذاری نیز به روش لیکرت بر حسب پاسخ‌های ۱ تا ۶ درجه‌ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) انجام می‌شود. نه بخش این پرسش‌نامه شامل سوالات ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۲، ۱۴ و ۱۶ دارای نمره‌گذاری معکوس هستند. حاصل جمع نمره‌های دو شاخص فرعی نمره کلی مقیاس را بدست می‌دهد. نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطوح بالاتر احساس صلاحیت والدینی است. این ابزار نقطه برش مشخصی ندارد. گیباد و همکاران (۱۹۷۸) آلفای کرونباخ نمره کل و خرده‌مقیاس‌های رضایت و کارآمدی را به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۸ و ۰/۹۱ گزارش کردند. آنها همچنین پایایی بازآزمایی نمره کل و خرده‌مقیاس رضایت و کارآمدی را سه ماه بعد از اجرای پژوهش به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۱ و ۰/۷۵ اعلام کردند. روایی همگرا و افتراقی ابزار نیز تایید شد. به‌طوری‌که ضریب همبستگی آن با خودکارآمدی والدین^۹ (PSAM) ۰/۷۳ و با استرس والدینی (PSI) ۰/۷۶- اعلام شد. در نمونه ایرانی رحیم‌زاده و همکاران (۲۰۲۴) این پرسشنامه را بر روی مادران مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر قزوین اجرا کردند و ضریب آلفای کرونباخ نمره کل را ۰/۹۳ و خرده‌مقیاس رضایت و کارآمدی را به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۰ به دست آوردند. به‌علاوه روایی همگرا و افتراقی ابزار را تایید کرده و همبستگی آن با استرس والدینی را ۰/۷۱- گزارش کردند. آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر بر ای نمره کل و خرده مقیاس‌های رضایت و کارآمدی به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۷ و ۰/۷۱ محاسبه شد.

1. Parenting Stress Index-Short Form Guide
2. Parental Distress
3. Parent-Child Dysfunctional Interaction
4. Difficult Child
5. Parenting sense of competence scale
6. Gibaud
7. satisfaction
8. efficacy
9. Parental Self Agency Measure

مقیاس مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک شده^۱ (MSPSS): این مقیاس توسط زیمت^۲ و همکاران در سال ۱۹۸۸ ساخته شده است. مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده یک ابزار ۱۲ گویه‌ای است و حمایت اجتماعی را از سه منبع خانواده^۳ (سوالات ۳، ۴، ۸ و ۱۱)، دوستان^۴ (سوالات ۶، ۷، ۹ و ۱۲) و دیگران مهم^۵ (سوالات ۱، ۲، ۵ و ۱۰) در اندازه‌های هفت‌درجه‌ای می‌سنجد. نمره هر خرده‌مقیاس بر حسب مجموع ارزش گزینه‌های هر گویه (کاملاً مخالفم= ۱؛ مخالفم= ۲؛ تقریباً مخالفم= ۳؛ نه مخالفم/ نه موافقم= ۴؛ تقریباً موافقم= ۵؛ موافقم= ۶؛ کاملاً موافقم= ۷) محاسبه می‌شود. از جمع نمره تعداد کل گویه‌ها (۱۲ گویه) نیز نمره کل حمایت اجتماعی ادراک شده به دست می‌آید. حداقل و حداکثر نمره فرد در کل مقیاس به ترتیب ۱۲ و ۸۴ است. نمره بالاتر نشان دهنده حمایت اجتماعی ادراک شده بیشتر است. زیمت و همکاران (۱۹۸۸) ساختار سه عاملی مقیاس را به دست آوردند و همبستگی بین خرده‌مقیاس‌ها را ۰/۲۴ تا ۰/۶۳ گزارش کردند. هم‌چنین در بررسی‌ها مشخص شد که حمایت اجتماعی ادراک شده به طور معناداری با افسردگی و اضطراب رابطه معکوس داشته (P < ۰/۰۱) و روایی هم‌گرایی این مقیاس با افسردگی ۰/۲۴- و با اضطراب ۰/۱۸- گزارش شد. به‌علاوه آنها در بررسی ۲۷۵ دانشجوی در ایالات متحده ضریب آلفای کرونباخ نمره کل و خرده‌مقیاس‌های دیگران مهم، خانواده، دوستان را به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۸۵ اعلام کردند. هم‌چنین ضرایب پایایی بازآزمایی بعد از دو ماه برای نمره کل و خرده‌مقیاس‌های دیگران مهم، خانواده و دوستان به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۲، ۰/۸۵ و ۰/۷۵ به دست آمد. در بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در دانشجویان و جمعیت عمومی ایرانی، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های دیگران مهم، خانواده و دوستان به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۹ محاسبه شد (بشارت، ۱۳۹۸). هم‌چنین روایی هم‌گرا و افتراقی نیز از طریق اجرای هم‌زمان مقیاس سلامت روانی^۶ (MHI)، مقیاس همدلی عاطفی^۷ و فهرست عواطف مثبت و منفی^۸ (PANAS) در مورد نمونه‌های مختلف از دو گروه دانشجویان و جمعیت عمومی محاسبه و تایید شد. ضرایب همبستگی حمایت اجتماعی ادراک شده با بهزیستی روان‌شناختی ۰/۵۷، با همدلی عاطفی ۰/۵۳، با عاطفه مثبت ۰/۴۹، با درماندگی روان‌شناختی ۰/۵۱- و با عاطفه منفی ۰/۵۵- به دست آمد. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ خرده مقیاس دیگران مهم (که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت)، ۰/۸۸ محاسبه شد.

یافته ها

اطلاعات ۲۲۷ مادر شرکت‌کننده در پژوهش تحلیل شدند. بازه سنی مادران بین ۲۰ الی ۴۵ سال با میانگین سنی ۳۷/۱۵ سال و انحراف استاندارد ۵/۰۵ سال بود. ۱۵۷ نفر از شرکت‌کننده‌ها خانه دار (۶۹/۲ درصد)، ۴۳ نفر شغل پاره وقت (۱۸/۹ درصد) و ۲۷ نفر دارای شغل تمام وقت (۱۱/۹ درصد) بودند. ۱۳ نفر دارای مدرک دیپلم (۵/۷ درصد)، ۸ نفر دارای مدرک فوق دیپلم (۳/۵ درصد)، ۱۰۲ نفر دارای مدرک لیسانس (۴۴/۹ درصد)، ۸۱ نفر دارای مدرک فوق لیسانس (۳۵/۷ درصد)، ۲۲ نفر دارای مدرک دکترا (۹/۷ درصد) و ۱ نفر دارای مدرک فوق دکترا (۰/۴ درصد) بودند. ۱۱۲ نفر از شرکت‌کننده‌ها دارای ۱ فرزند (۴۹/۳ درصد)، ۷۲ نفر دارای ۲ فرزند (۳۱/۷ درصد)، ۳۲ نفر دارای ۳ فرزند (۱۴/۱ درصد)، ۱۰ نفر دارای ۴ فرزند (۴/۴ درصد) و ۱ نفر دارای ۵ فرزند (۰/۴ درصد) بودند. در جدول ۱ شاخص‌های گرایش مرکزی و ضرایب همبستگی بین متغیرها ارائه شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی بین متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- احساس رضایت	۱					
۲- احساس کارآمدی	۰/۴۳**	۱				
۳- آشنفگی والدینی	۰/۲۱*	۰/۱۸-	۱			
۴- تعامل‌های ناکارآمد	۰/۴۱**	۰/۴۵**	۰/۳۹**	۱		

- Multidimensional Scale of Perceived Social Support
- Zimet
- family
- friends
- significant others
- Mental Health Inventory
- Emotional Empathy Scale
- Positive and Negative Affect Schedule

The Relationship Between Parenting Stress and Parenting Competence With the Moderating Role of Spousal Social Support

۵- کودک مشکل آفرین	۰/۴۸**	-۰/۱۶	۰/۲۱*	۰/۲۱*	۰/۲۱*	۱
۶- حمایت اجتماعی همسر	۰/۶۸**	۰/۳۴**	-۰/۲۴**	-۰/۰۹	-۰/۱۸**	۱
میانگین	۲۶/۴۰	۲۰/۰۵	۵۰/۵۷	۳۷/۲۸	۳۹/۱۶	۱۲/۴۱
انحراف استاندارد	۲/۹۲	۲/۷۹	۶/۹۷	۴/۲۲	۴/۸۰	۳/۶۷
کجی	-۰/۱۴	۰/۸۴	-۰/۱۷	-۰/۱۲	۰/۱۴	-۰/۶۰
کشیدگی	-۰/۸۱	۰/۵۶	-۰/۴۳	-۰/۹۲	-۰/۶۶	-۰/۴۳

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بین تمامی مؤلفه‌های صلاحیت والدینی (احساس رضایت و احساس کارآمدی) و استرس والدینی (آشفستگی والدینی، تعامل‌های ناکارآمد و کودک مشکل‌آفرین) رابطه منفی وجود دارد. به‌علاوه همبستگی میان هر دو مؤلفه صلاحیت والدینی (احساس رضایت و احساس کارآمدی) با حمایت اجتماعی همسر مثبت است. همچنین مشخص شد که میان تمامی مؤلفه‌های استرس والدینی اعم از آشفستگی والدینی، تعامل‌های ناکارآمد و کودک مشکل‌آفرین با حمایت اجتماعی همسر رابطه منفی وجود دارد. به منظور انجام رگرسیون، پیش‌فرض‌های تحلیل رگرسیون بر روی داده‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند. جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها، شاخص‌های کجی و کشیدگی بررسی شدند. مقادیر کجی و کشیدگی در جدول ۱ نشان داد تمامی متغیرها از توزیع نرمال برخوردارند (در محدوده ۲- تا ۲+ قرار دارند). همچنین شاخص آزمون کلموگراف-اسمیرنوف برای متغیرهای حمایت اجتماعی همسر، نمره کل استرس والدینی و نمره کل صلاحیت والدینی به ترتیب 0.14 ($p=0.2$)، 0.16 ($p=0.32$) و 0.23 ($p=0.46$) به دست آمد که نشانه نرمال بودن توزیع داده‌هاست. جهت بررسی استقلال باقی‌مانده‌ها (عدم وجود همبستگی سریالی بین باقی‌مانده‌ها) از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. مقدار این آزمون برابر با $1/64$ به دست آمد که این مفروضه نیز تأیید شد. به‌علاوه عدم هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین با آماره‌های ضریب تحمل^۱ و تورم واریانس^۲ آزمون و تأیید شد (آماره تحمل $0/99$ و آماره تورم واریانس $1/00$ بود).

نقش تعدیل‌گر حمایت اجتماعی همسر در رابطه بین استرس والدینی و صلاحیت والدینی با روش رگرسیون سلسله مراتبی بررسی شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی جهت بررسی تعدیل‌گری حمایت اجتماعی همسر در رابطه بین استرس والدینی و صلاحیت والدینی

گام	R ²	Adj R ²	Beta	B	F	P
۱- استرس والدینی	۰/۲۷	۰/۲۴	-۰/۵۴	-۰/۸۱	۹/۸۷	۰/۰۰۱
۲- استرس والدینی	۰/۲۷	۰/۲۴	-۰/۴۸	-۰/۷۲	۸/۵۸	۰/۰۰۱
حمایت اجتماعی همسر	۰/۲۸	۰/۱۸	۰/۵۱	۰/۵۹	۴/۶۳	۰/۰۰۱
۳- استرس والدینی	۰/۲۷	۰/۲۴	-۰/۴۴	-۰/۶۹	۶/۲۳	۰/۰۰۱
حمایت اجتماعی همسر	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۴۲	۰/۵۳	۳/۸۵	۰/۰۰۱
استرس والدینی	۰/۲۸	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۳۱	۳/۴۶	۰/۰۰۱
*حمایت اجتماعی همسر	۰/۲۹					

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در گام اول استرس والدینی به‌عنوان متغیر پیش‌بین وارد مدل شد. در گام دوم حمایت اجتماعی همسر به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده و در گام سوم متغیر تعامل (استرس والدینی* حمایت اجتماعی همسر) وارد مدل شدند. نتایج

1. tolerance

2. Variance inflation factor (vif)

نشان داد در گام اول استرس والدینی قادر است صلاحیت والدینی را به طور معکوس پیش‌بینی کند ($\beta = -0.54, P < 0.01$). در گام دوم نیز مشخص شد حمایت اجتماعی همسر می‌تواند به‌تنهایی پیش‌بین صلاحیت والدینی باشد ($\beta = 0.51, P < 0.01$). در گام سوم هم مشخص شد حمایت اجتماعی همسر در رابطه استرس و صلاحیت والدینی نقش تعدیل‌کننده ایفا می‌کند ($\beta = 0.18, P < 0.01$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل‌گر حمایت اجتماعی همسر در رابطه با استرس والدینی و احساس صلاحیت والدینی بود. نتایج نشان داد که بین استرس والدینی و احساس صلاحیت والدینی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج گیل‌مور و کاسکلی (۲۰۲۴)، ونگ و همکاران (۲۰۲۴)، جانستون و همکاران (۲۰۲۲) و ریوس و همکاران (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین این نتیجه می‌توان بر نظریه استرس لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) تکیه کرد. همانطور که پیش‌تر مطرح شد این نظریه بیان می‌کند استرس والدینی نه تنها در نتیجه عدم تعادل منابع و تقاضای (مسئولیت) والدینی است، بلکه ارزیابی‌های شناختی و مهارت‌های مقابله‌ای والدین نیز نقش قابل توجهی در میزان استرس ادراک شده آنها دارند. سطوح بالای استرس در افراد با اختلال در عملکردهای شناختی-هیجانی و رفتاری آنها همراه است (مک مانوس و همکاران، ۲۰۲۲). استرس بسته به ماهیت و منشأ، مدت (حاد یا مزمن) و شدت آن، از جهات مختلفی شناخت افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (شیلدرز، ۲۰۲۰). قرار گرفتن در معرض استرس‌های مزمن، همچون تربیت فرزند و ایفای نقش والدینی سبب آشفتگی والدین شده، توانایی تفکر منطقی را از آنها سلب کرده و سبب می‌شود هیجانات و رفتارهای نامتناسب با موقعیت از خود نشان دهند (مک مانوس و همکاران، ۲۰۲۲). مادرائی که استرس والدینی بیش‌تری را تجربه می‌کنند، در موقعیت‌های استرس‌زا در دام شناخت-های معیوب (همچون تعمیم افراطی، تفکر دوقطبی، شخصی‌سازی، برچسب زدن و...) گرفتار شده و توانایی تنظیم هیجان خود را از دست می‌دهند (ونگ و همکاران، ۲۰۲۴). زمانی که والدین نمی‌توانند استرس خود را مدیریت کنند تعاملات مثبت و روابط صمیمانه با فرزندان کنار رفته و تعاملات ناکارآمد والد-کودک جایگزین آن شده و احتمالاً از سبک‌های والدگری مستبدانه، طردکننده، بی‌ثبات و تنبیه‌کننده‌تر استفاده می‌کنند (باخوس و همکاران، ۲۰۲۴). به‌علاوه استرس والدینی انعطاف‌پذیری والدین را نشانه گرفته و آنها را به سمت قوانین سخت، تفکرات انتقادی و سرزنشگر هدایت می‌کند (ژنگ و همکاران، ۲۰۲۰). این والدین همچنین در اتخاذ راهبردهای مقابله‌ای، حل مسئله، ایجاد حمایت عاطفی، تقویت اعتماد به نفس و پیشرفت فرزندان ضعیف ظاهر شده و در نهایت احتمالاً فرزندان مشکل‌آفرین با عملکرد ضعیف تحصیلی، اجتماعی و حتی مشکلات سلامت جسمی و روانی خواهند داشت (ونگ و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین به نظر می‌رسد مادران در این شرایط احساس می‌کنند توانایی مدیریت تعارضات را از دست داده، چالش‌های فرزندپروری را به شیوه والدگری خود نسبت داده و احساس رضایت، کارآمدی و در نهایت صلاحیت کمتری را تجربه می‌کنند. اما واقعیت این است که آنها احتمالاً در یک چرخه معیوب تعاملی گرفتار شده‌اند. استرس و نگرانی، توانایی تفکر و منطق آنها را نشانه گرفته، هیجانات و رفتارهای افراطی و نامتناسب نشان می‌دهند (باخوس و همکاران، ۲۰۲۴). درمقابل فرزندان نیز آنچه دریافت کرده را انعکاس داده و سبب تشدید استرس و برداشت‌های نادرست والدینشان از توانایی، خودکارآمدی و صلاحیت خود در فرزندپروری می‌شوند و رضایت کمتری را احساس خواهند کرد (گیلمور و کاسکلی، ۲۰۲۴).

از سوی دیگر نتایج نشان داد که حمایت اجتماعی همسر با استرس والدینی رابطه منفی و معنادار دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های باخوس و همکاران (۲۰۲۴)، فو و همکاران (۲۰۲۳)، فانگ و همکاران (۲۰۲۴) و ژنگ و همکاران (۲۰۲۰) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان بر نظریه تعادل منابع و تقاضا در استرس والدینی تکیه کرد. این نظریه معتقد است مادامی که عوامل محافظتی و منابع حمایتی والدین بیشتر از تقاضا و مسئولیت‌های والدینی باشد، آنها استرس کمتری را متحمل خواهند شد (آبیدین، ۱۹۹۲). هنگامی که والدین از حمایت اجتماعی خصوصاً حمایت همسر بهره‌مند هستند می‌توانند آشفتگی‌های والدینی را با اطمینان و آرامش خاطر مدیریت کرده و با اعتمادبه‌نفس بیشتری در جهت رفع استرس والدینی ادراک شده خود بکوشند (فو و همکاران، ۲۰۲۳). بهره‌مندی از حمایت همسر از طریق تقسیم وظایف و مسئولیت‌های والدینی، کاهش احساس تنهایی و انزوا، افزایش زمان شخصی و تجربه تعاملات اجتماعی، افزایش کیفیت روابط زوجی و در نهایت خانوادگی سبب می‌شود که مادران فرسودگی و استرس کمتری را در جریان والدگری خود تجربه کنند (ونگ و همکاران، ۲۰۲۴؛ باخوس و همکاران، ۲۰۲۴). در واقع زمانی که مادران احساس کنند در امور فرزندپروری می‌توانند از حمایت همسرشان بهره ببرند و تمام مسئولیت‌های فرزندپروری را به‌تنهایی بر دوش نکنند، از طریق توانمندسازی خود در کنترل تعاملات

ناکارآمد والد-کودک و کودک مشکل‌آفرین، سبب کاهش اختلالات رفتاری فرزندان و بهبود پویایی روابط والد-فرزندی شده و در نهایت استرس کمتری تجربه خواهند کرد.

به‌علاوه پژوهش حاضر نشان داد حمایت اجتماعی همسر با صلاحیت والدینی رابطه مثبت و معنادار دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های گلتر و همکاران (۲۰۲۴)، کاسبال و همکاران (۲۰۲۴)، دهقان‌منشادی و همکاران (۲۰۲۴)، فانگ و همکاران (۲۰۲۱) و ریپاراز و همکاران (۲۰۲۱)، همسو بود. از نظریه تعادل منابع و تقاضا می‌توان در تشریح این یافته نیز استفاده کرد. از آنجایی که حمایت اجتماعی همسر یکی از مهم‌ترین منابع و عوامل محافظتی است که والدین در برابر تقاضای والدینی در اختیار دارند، بررسی شیوه تأثیرگذاری آن اهمیت بسزایی دارد. حمایت اجتماعی همسر نه تنها سبب تعدیل فشارهای فرآیند والدگری شده، بلکه به واسطه ایجاد یک پایگاه امن دلبستگی توانایی فرد را برای مقابله با چالش‌های متعدد فرزندپروری افزایش می‌دهد (لیت‌انگلیو و همکاران، ۲۰۲۳). بهره‌مندی از حمایت همسر با فراهم آوردن پشتوانه عاطفی و عملی به طور چشم‌گیری به احساس رضایت و کارآمدی والدین در ایفای نقش والدگری آنها می‌افزاید (دهقان-منشادی و همکاران، ۲۰۲۳). می‌توان گفت این حمایت از طریق کاهش بار مسئولیت و استرس‌های ناشی از آن، فضایی امن برای رشد و تقویت مهارت‌های والدینی مادران ایجاد می‌کند. بنابراین آنها نقش مادرانگی خود را راحت‌تر پذیرفته و با اطمینان، خودباوری و رضایت بیشتری به وظایف خود عمل کرده و احساس توانمندی و کارآمدی بیشتری را تجربه می‌کنند.

در انتها نیز یافته‌های پژوهش نشان داد که حمایت اجتماعی همسر می‌تواند نقش تعدیل‌گر و محافظتی در رابطه بین استرس والدینی و صلاحیت والدینی داشته باشد و از تأثیر منفی استرس والدینی بر صلاحیت والدینی بکاهد. این یافته با پژوهش فو و همکاران (۲۰۲۳) و ژنگ و همکاران (۲۰۲۰) همسو بود. در تشریح این یافته می‌توان بر مدل استرس کوهن (۱۹۸۳) تکیه کرد. مطابق این مدل، وجود منابع متعدد حمایت فردی و اجتماعی با کاهش استرس در افراد همراه است. استرس والدینی با ایجاد فشار روانی بالا می‌تواند به طور مستقیم بر ادراک والدین از توانایی‌هایشان در ایفای نقش والدگری تأثیر منفی گذاشته و منجر به کاهش احساس صلاحیت والدینی آنها شود (ونگ و همکاران، ۲۰۲۴). مادرانی که استرس والدینی بیشتری را تجربه می‌کنند، معمولاً در موقعیت‌هایی که با بحران مواجه می‌شوند به شدت درمانده شده و آن را بسیار شدیدتر ارزیابی می‌کنند. این مادران در مقابله با چالش‌های فرزندپروری احساس ناتوانی کرده، در انتخاب راهبردهای حل مسئله ضعیف عمل کرده و کارآمدی کمتری را در خود برای مدیریت شرایط احساس می‌کنند (جانستون و همکاران، ۲۰۲۲). اما همانطور که پیش‌تر مطرح شد حمایت مناسب و موثر همسر می‌تواند این رابطه را تعدیل کند (فو و همکاران، ۲۰۲۳). حمایت اجتماعی دریافت شده توسط همسران می‌تواند با کاهش شدت آشفتگی‌های والدینی و احساس فشار، اثرات منفی استرس والدینی را خنثی کند. تعدیل استرس والدینی نیز می‌تواند از طریق اصلاح تحریف‌های شناختی و تنظیم هیجان و همچنین تقویت تاب‌آوری و راهبردهای مقابله‌ای، در جهت بهبود چرخه تعاملات ناکارآمد والد-کودک عمل کرده و کاهش رفتارهای مشکل‌آفرین والدین و کودکان را به دنبال داشته باشد (لیو و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین به نظر می‌رسد مادرانی که به واسطه دریافت حمایت همسر استرس والدینی کمتری را تجربه می‌کنند، در مسیر والدگری خود با انگیزه، اعتمادبه‌نفس، احساس توانایی و عاملیت بیشتری قدم برداشته، و با رضایت بیشتری نقش مادرانگی خود را ایفا می‌کنند.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان داد که استرس والدینی با صلاحیت والدینی و حمایت اجتماعی همسر رابطه منفی دارد و حمایت اجتماعی همسر با صلاحیت والدینی رابطه مثبت دارد. همچنین حمایت اجتماعی همسر می‌تواند تأثیر منفی استرس والدینی را بر صلاحیت والدینی کاهش دهد.

این پژوهش نیز همچون سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی از جمله استفاده از ابزار خودگزارش‌دهی، نمونه‌گیری در دسترس و مقطعی بودن پژوهش و محدودیت جغرافیایی روبرو بود؛ لذا در تعمیم نتایج باید احتیاط صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی جهت تفسیر نتایج، سایر متغیرهای موثر همچون فرهنگ، تحصیلات، شرایط اقتصادی و حمایت‌های محیطی نیز مدنظر قرار گیرند. همچنین استفاده از سایر شیوه‌های گردآوری اطلاعات همچون مصاحبه نیز می‌تواند نتایج دقیق‌تری را به همراه داشته باشد. به‌علاوه به متخصصان حوزه کودک و خانواده توصیه می‌شود در جلسات فرزندپروری جهت افزایش صلاحیت و کاهش استرس والدینی، بر نقش حمایت اجتماعی همسر تأکید کنند. این امر می‌تواند از طریق برگزاری کلاس‌ها و دوره‌هایی با هدف آموزش مدیریت استرس والدگری برای مادران و ایفای نقش حمایتی پدران محقق شود.

منابع

- بشارت، م. ع. (۱۳۹۸). مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک شده: پرسشنامه، روش اجرا و نمره‌گذاری. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۵(۶۰)، ۴۴۷-۴۴۹. https://journals.iau.ir/article_668831.html
- شیرزادی، پ.، فرامرزی، س.، قاسمی، م.، و شفیعی، م. (۱۳۹۳). بررسی روایی و اعتبار فرم کوتاه شاخص استرس فرزند پروری. *نشریه رویش روان‌شناسی*، ۳(۴)، ۹۱. https://frooyesh.ir/search.php?slc_lang=fa&sid=1
- Abidin, R. R. (1992). The determinants of parenting behavior. *Journal of Clinical Child Psychology*, 21(4), 407-412. https://doi.org/10.1207/s15374424jccp2104_12
- Abidin, R. R. (1995). Parenting stress index: Professional manual. 3rd edn. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources, Inc. https://scholar.google.com/scholar_lookup
- Bakhos, G., Villeneuve, É., Bélanger, C., Paradis, A., Brassard, A., Bergeron, S., & Godbout, N. (2024). Cumulative childhood interpersonal trauma and parental stress: The role of partner support. *Journal of Social and Personal Relationships*, 41(9), 2500-2521. <https://doi.org/10.1177/02654075241246794> (Original work published 2024)
- Cohen, S., Kamarck, T., & Mermelstein, R. (1983). A global measure of perceived stress. *Journal of Health and Social Behavior*, 24(4), 385-396. <https://doi.org/10.2307/2136404>
- Dehghan Manshadi, Z., Fallah, A., & Chavoshi, H. (2023). Childhood maltreatment and sense of parenting competence: The mediating role of parental reflective functioning and perceived social support. *Child abuse & neglect*, 135, 105949. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2022.105949>
- Fang, Y., Boelens, M., Windhorst, D. A., Raat, H., & van Grieken, A. (2021). Factors associated with parenting self-efficacy: A systematic review. *Journal of advanced nursing*, 77(6), 2641-2661. <https://doi.org/10.1111/jan.14767>
- Fang, Y., Luo, J., Boele, M., Windhorst, D., van Grieken, A., & Raat, H. (2024). Parent, child, and situational factors associated with parenting stress: a systematic review. *European child & adolescent psychiatry*, 33(6), 1687-1705. <https://doi.org/10.1007/s00787-022-02027-1>
- Fu, W., Li, R., Zhang, Y., & Huang, K. (2023). Parenting Stress and Parenting Efficacy of Parents Having Children with Disabilities in China: The Role of Social Support. *International journal of environmental research and public health*, 20(3), 2133. <https://doi.org/10.3390/ijerph20032133>
- Gibaud-Wallston, J., & Wandersman, L. P. (1978). Development and utility of the Parenting Sense of Competence Scale. [Paper presentation] *Meeting of the American Psychological Association*, Toronto, Canada. <https://fasttrackproject.org/wp-content/u>
- Gilmore, L., & Cuskelly, M. (2024). The Parenting Sense of Competence scale: Updating a classic. *Child: care, health and development*, 50(1), e13173. <https://doi.org/10.1111/cch.13173>
- Glatz, T., Lippold, M., Chung, G. et al. (2024). A Systematic Review of Parental Self-efficacy Among Parents of School-Age Children and Adolescents. *Adolescent Res Rev* 9, 75-91. <https://doi.org/10.1007/s40894-023-00216-w>
- Greenlee, J. L., Piro-Gambetti, B., Putney, J., Papp, L. M., & Hartley, S. L. (2022). Marital satisfaction, parenting styles, and child outcomes in families of autistic children. *Family process*, 61(2), 941-961. <https://doi.org/10.1111/famp.12708>
- Johnson, E., Fellowes, R., Cant, K., & Hunt, S. (2022). Self-Assured and Sober: The Relationship Between Maternal Parenting Sense of Competence, Stress, and Alcohol Use. *Frontiers in global women's health*, 2, 778183. <https://doi.org/10.3389/fgwh.2021.778183>
- Johnston, C., & Mash, E. J. (1989). A Measure of Parenting Satisfaction and Efficacy. *Journal of Clinical Child Psychology*, 18(2), 167-175. https://doi.org/10.1207/s15374424jccp1802_8
- Jones, C. (2020). Is person-centred counselling effective when assisting young people who have experienced bullying in schools? *Counselling and Psychotherapy Research*, 20(4), 657-665. <https://doi.org/10.1002/capr.12312>
- Kaasbøll, J., Thaulow, K., & Reedt, C. (2024). Parenting sense of competence and associated factors among parents facing adversity in Norway: a cross-sectional study. *Children and Youth Services Review*, 163. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2024.107806>
- Kline, R. B. (2013). Assessing statistical aspects of test fairness with structural equation modelling. *Educational Research and Evaluation*, 19(2-3), 204-222. <https://doi.org/10.1080/13803611.2013.767624>
- Lazarus, R., & Folkman, S. (1984). *Stress, Appraisal, and Coping*. New York: Springer. <https://www.scirp.org/reference/ReferencesPapers?ReferenceID=1927117>
- Leite Ongilio, F., Gaspardo, C. M., & Linhares, M. B. M. (2023). Maternal History of Adversity and Subsequent Mother-Child Interactions at Early Ages: A Systematic Review. *Trauma, violence & abuse*, 24(5), 3412-3432. <https://doi.org/10.1177/15248380221130355>
- Lin, GX., Szczygieł, D., Hansotte, L. et al. (2023). Aiming to be perfect parents increases the risk of parental burnout, but emotional competence mitigates it. *Curr Psychol*, 42, 1362-1370. <https://doi.org/10.1007/s12144-021-01509-w>
- Liu, M., & Xu, Z. (2024). A study on regulating factors of the influence of Children's negative emotions on mothers' parenting stress: A study of China's post-80s generation. *Children and Youth Services Review*, 159, 1-9. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2024.107533>

The Relationship Between Parenting Stress and Parenting Competence With the Moderating Role of Spousal Social Support

- McManus, E., Haroon, H., Duncan, N. W., Elliott, R., & Muhlert, N. (2022). The effects of stress across the lifespan on the brain, cognition and mental health: A UK biobank study. *Neurobiology of stress*, *18*, 100447. <https://doi.org/10.1016/j.ynstr.2022.100447>
- Ongílio, F.L., Gaspardo, C.M., Altafim, E.R.P. *et al.* (2024). Maternal interactive behaviors, mothers' history of childhood adversities, and parental sense of competence. *Curr Psychol*, *43*, 25124–25134. <https://doi.org/10.1007/s12144-024-06201-3>
- Rahimzadeh, M., Esmaelzade, S., & Rezanejad-Asl, P. (2024). Psychometric properties of Parenting Sense of Competence Scale using item-response theory. *Heliyon*, *10*, 19. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e38212>
- Reparaz, C., Rivas, S., Osorio, A., & Garcia-Zavala, G. (2021). A Parental Competence Scale: Dimensions and Their Association With Adolescent Outcomes. *Frontiers in psychology*, *12*, 652884. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.652884>
- Ríos, M., Zekri, S., Alonso-Esteban, Y., & Navarro-Pardo, E. (2022). Parental Stress Assessment with the Parenting Stress Index (PSI): A Systematic Review of Its Psychometric Properties. *Children (Basel, Switzerland)*, *9*(11), 1649. <https://doi.org/10.3390/children9111649>
- Roskam, I., Gallée, L., Aguiar, J., Akgun, E., Arena, A., Arikan, G., Aunola, K., Bader, M., Barham, E. J., Besson, E., Beyers, W., Boujut, E., Brianda, M. E., Brytek-Matera, A., Carbonneau, N., César, F., Chen, B.-B., Dorard, G., dos Santos Elias, L. C., ... Mikolajczak, M. (2022). Gender Equality and Maternal Burnout: A 40-Country Study. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, *53*(2), 157-178. <https://doi.org/10.1177/00220221211072813> (Original work published 2022)
- Shields, G., S. (2020). Stress and cognition: A user's guide to designing and interpreting studies. *Psychoneuroendocrinology*, *112*. <https://doi.org/10.1016/j.psyneuen.2019.104475>
- Wang, S., Cheah, C. S. L., Zong, X., & Ren, H. (2023). Parental Stress and Chinese American Preschoolers' Adjustment: The Mediating Role of Parenting. *Behavioral sciences (Basel, Switzerland)*, *13*(7), 562. <https://doi.org/10.3390/bs13070562>
- Wang, W., Song, T., Chen, S., Li, Y., & Li, Y. (2024). Work-family enrichment and parental burnout: the mediating effects of parenting sense of competence and parenting stress. *Current Psychology*, *43*(8), 6966–6976. <https://doi.org/10.1007/s12144-023-04874-w>
- Zeng, S., Hu, X., Zhao, H., & Stone-MacDonald, A. K. (2020). Examining the relationships of parental stress, family support and family quality of life: A structural equation modeling approach. *Research in developmental disabilities*, *96*, 103523. <https://doi.org/10.1016/j.ridd.2019.103523>
- Zimet, G. D., Dahlem, N. W., Zimet, S. G., & Farley, G. K. (1988). The Multidimensional Scale of Perceived Social Support. *Journal of Personality Assessment*, *52*(1), 30–41. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5201_2